

فرازم سادرو به حکام چهار محال

کریم نیکزاد حسینی

سرزمین تاریخی چهار محال و بختیاری بدو ناحیه مختلف دشت و کوهستانی تقسیم شده که منطقه کوهستانی آن از جبال زرد کوه شروع شده و در امتداد شعب کوههای زاگرس به فارس و خوزستان منتهی میشود و در دامنه این کوهها مراتع سبز و جنگلها و قرا و روستاهای چادرنشهبان و ایلات و عشایر بختیاری که شامل چهار لنگ و هفت لنگ باشد . و جمعی از آنها ساکن و بکشت و کارو عدهای بنا بر سیره آباء و اجدادی مشغول تربیت اغنام و احشام و بیلاق و قشلاق روزگار میگذرانند و در میان آنها افراد غنی و فقیر و باسواد و بیسواد متمدن و غیر متمدن و شجاع وجود دارد - که رویهمرفته در سواری و تیراندازی و جنگ و جهاد و قتل و غارت مشهورند - و در دورانهای قدیم اغلب سلاطین با آنها نبرد نموده و برای آرامش مملکت جمعی را بنقاط دیگر کوچ داده اند .

مسکن اهلیشان همین ناحیه و زبانشان فارسی سره (پهلوی) است و افراد برحستهی آنها نیز در طول تاریخ خدماتی باین کشور نموده اند .

ناحیه دشت که عبارت از منطقه وسیع و جلگه پهناوری است حوزه چهار محال را بنام (رار - میزدج - کسار - گندمان) شامل است که از هر جهت با منطقه بختیاری چهار محال تفاوت و تجارت و آداب و رسوم و عقاید و زبان تفاوت کلی دارد و اغلب در طول تاریخ از فرق مختلفه باین ناحیه آمده و یا در سپاهیان سلاطین بوده و بتدریج ساکن شدند - و بزبانهای فارسی - ترکی و ارمنی و گرجی و لری تکلم مینمایند و دارای عقاید و سنن قدیمی هستند اهالی این منطقه در طول تاریخ و همسایگی با ایل جلیل بختیاری لطعات و صدمات بسیار دیده و اموال و املاک و احشام بسیار را از دست داده اند و حکام و سلاطین وقت نیز در برابر تعدیات و دستبرد آنها مقاومت و جنگها کرده و بالاخره در دوران ناصری رسماً " بعضی قرا را مالک شدند - ولی قبل از مالکیت در آن زمان عموم افراد قرا و قصابات چهار محال تعهد نامه نوشتند که جدا " از ورود آنها بخاک چهار محال جلوگیری نمایند .

۱ - تعهد نامه ای که با مضاء کلیه کدخدایان و ریش سفیدان و با قیاد بسوگند و زن طلاق ، تنظیم گردیده که از ورود ایل بختیاری و یا افراد قطاع الطریق جلوگیری نمایند و در غیر - اینصورت از عهده اموال مسروقه برآیند و چنانچه کمک نکردند و از گرفتن سارق اهماال

نمودند مبلغی بدیوان اعلی مدیون باشند وزن طلاق دهند - این تعهد نامه در تاریخ ۱۲۵۶ قمری هنگام پادشاهی محمد شاه قاجار و در غیاب حاج محمد رضاخان چالشتی حاکم چهار محال نوشته شده است .

۲ - فرمان دومی که در طهران مهور بمهر محمد حسین سپهبد ارشتی خطاب به حاج محمد رضاخان حاکم چهار محال است که مقداری گندم برای سیورسات قشون پادشاهی حمل نمایند و چون این مقدار اضافه بر ابواب جمعی او بوده خودداری نموده و مجدداً این شرح را نوشته اند و چند نفر از معتمدین و مالکین امضا کرده اند .

۳ - فرمان سوم مبنی بر حمل روغن منداب است .

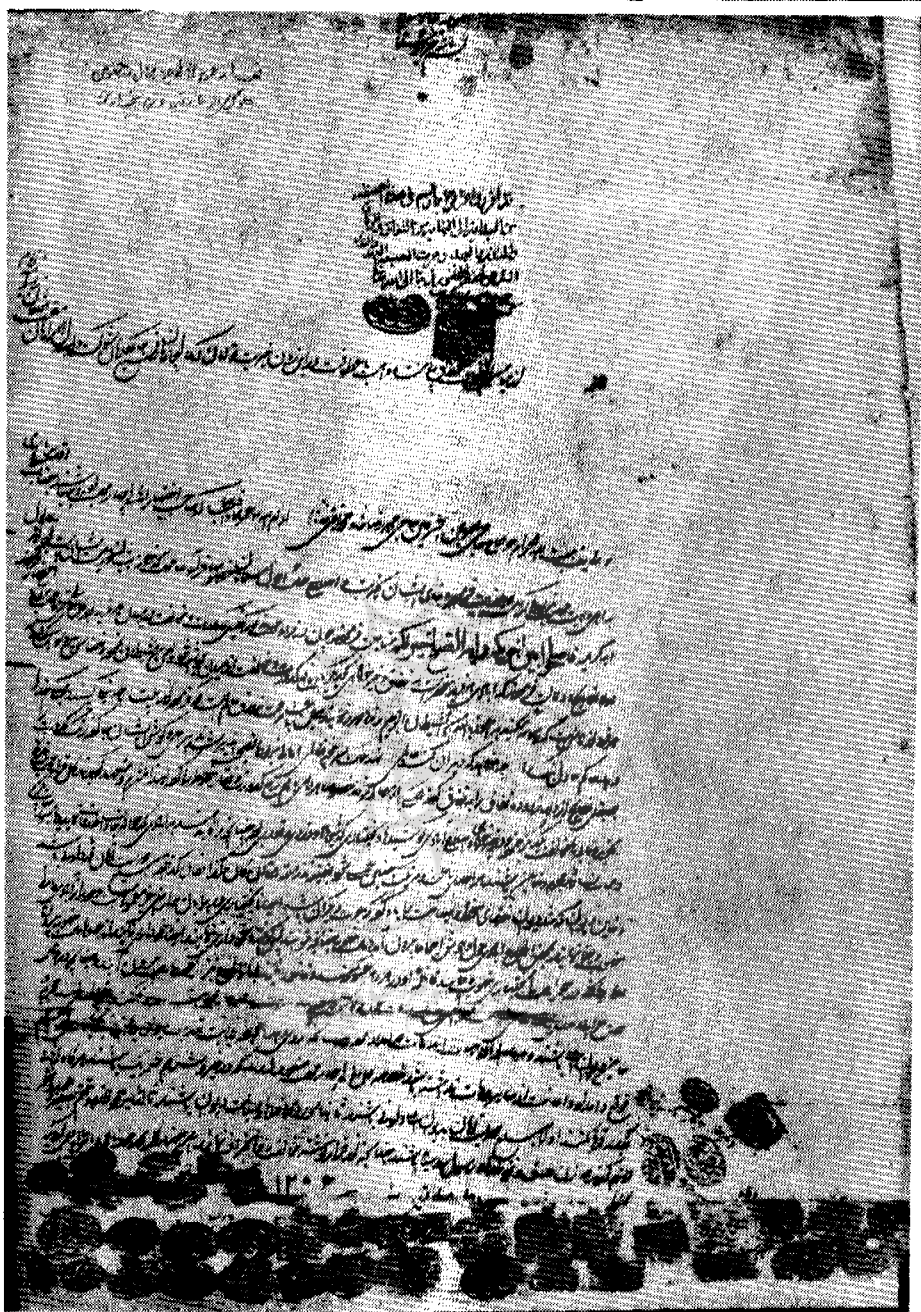
در آن زمان چهار محال از همه نقاط دیگر آبادتر و محصولش از هر جهت بیشتر بوده و زبانزد اولیاء دولت گردیده و شرحی در این مورد در *مرآة البلدان* ناصری نوشته شده است . که مقدار زیادی اجناس حمل باصفهان میگردد .

در این فرمان بخشعلی نام سردار و غه شتران پادشاهی مأمور تحویل مقدار چهار خروار ، روغن منداب جهت تظلیه شتران سرکاری میگردد و پرداخت این مقدار بوزن تبریزی بابت مالیات محسوب میشده و از قرار یکمن تبریز یکصد دینار قیمت گردیده است بحساب سیاق صد دینار چنین نوشته شود (ما . دینار) و پول های مسی فراوان صد دیناری زیاد دیده شده که یکطرف آن شیروخورشید و یا نوشته است رایج مملکت ایران - صد دینار (بالای فرمان *العزة لله و بعد حکم* و الا شد و مهر فتحعلی شاه (قرار در کف شاه زمانه فتحعلی - گرفت خاتم شاهی بحکم لم یزلی) تاریخ ۱۲۱۳ قمری .

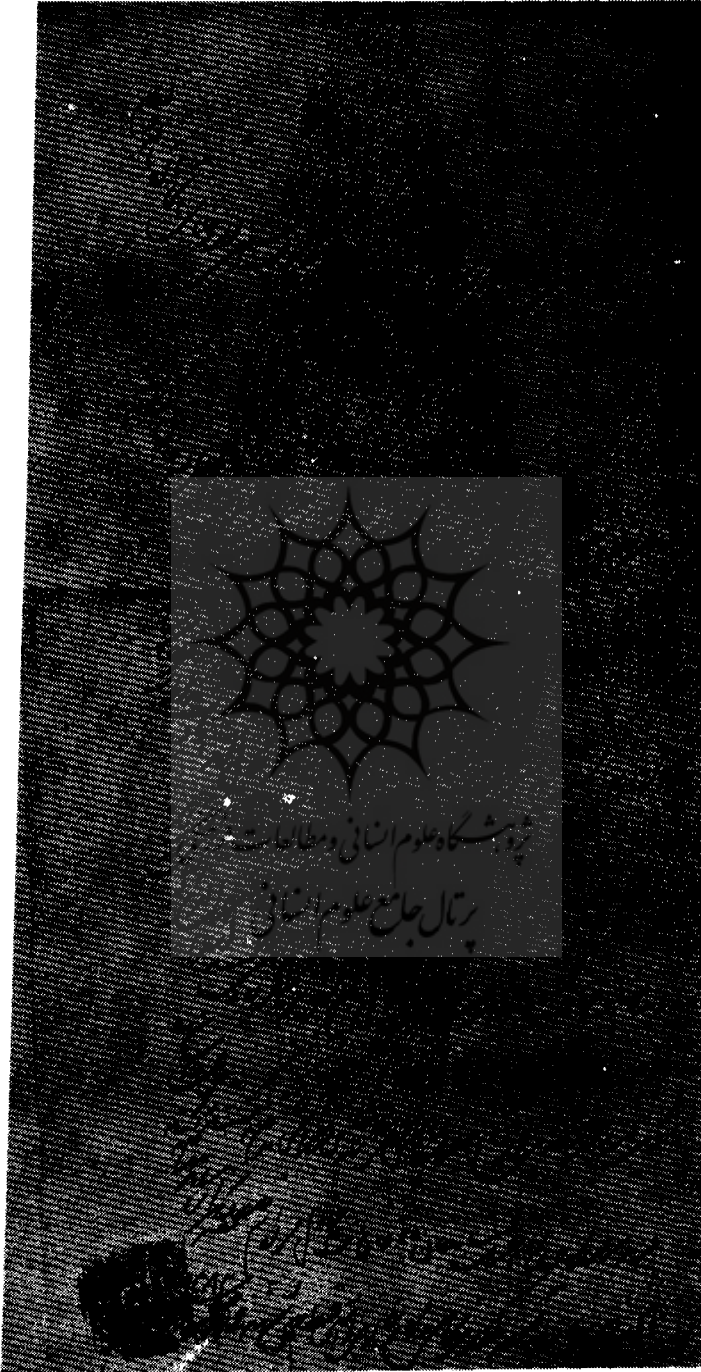
فرمان چهارم - نامه ای است بر این مضمون که محمودخان نایب الحکومه چهار محال شرحی در خصوص اذیت و آزار و قطاع الطریق افراد (منظور بختیارها) نوشته شده و در باب فتنه و فساد آنها شکایت گردیده لذا مهد یقلیخان قاجار از طرف دربار قاجار باسفار شناسه مزبور مأمور رسیدگی و دفع مفسدین میگردد و این نوشته بر روی کلیه کلانتران وقت چهار محال میرسد .

در بالای فرمان بسم الله تعالی شأنه - و حکم والا شد و بمهر فتحعلی شاه که ولیعهد بوده و سجع آن چنین است : (لا اله الا الله الملك الحق المبين) رسیده است .

پنجمین نامه مبنی بر آن است که جمعی از رعایای سفید دشت چهار محال (سفید دشت قریه بین راه اصفهان و شهر کرد از طریق مبارکه است و اخیراً "متعلق باولاد ضرغام السلطنه بوده و جنگ سال ۱۳۰۸ شمسی الوار و قشون دولتی در این محل اتفاق افتاد و فرمانده قشون اصفهان مدت ۴۰ روزی در این محل با سربازانش محصور بوده و بدفاع پرداختند



تا لشکریان فارس رسیده و الوار را قلع و قمع نموده و علیمردانخان سردسته الوار فراری گردید و بالاخره اعدام شد .





حکم الله

نکره ایست که ...

بما حکم ...

و نیز ...

در ...

و مال ...

از جهت ...

سپاه ...

مرد ...

و از ...

خدا ...

از تعدادی سهرابخان بختیاری شکایت کرده‌اند لذا این فرمان از طرف دربار قاجار و بمهرمجدالدولف میرآخورو پسر خاله ناصرالدینشاه بنام حاج محمد رضاخان حاکم چهار محال صادر شده است در تاریخ ۱۲۸۳ و سجع مهر سوره احداثت و مجدالدوله .

کلام در کتب ...
 در باب ...
 و این ...
 و این ...
 و این ...
 و این ...

شماره ۱۳۹۱۲۱۱۲۱